

دیدن

دیدن
بیژن الهی

۱



«دیدن» چهار دفتر شعر بیژن الهی را در بردارد و این اشعار به غیر از چند مورد آنها همگی در بازه زمانی چهارساله، یعنی از سال ۴۷ تا ۵۰ سروده شده‌اند. گفتار الهی از پیچیدگی‌هایی برخوردار است که به درک او از جهان اطرافش برمی‌گردد. نبوغ او از پس هر شعر خودنمایی می‌کند و فضای انتزاعی و عرفانی که بر کل مجموعه حاکم است، طعم تلخ و شیرینی را از خواندن این اشعار به دست می‌دهد...

جوانی

جوانی‌ها
بیژن الهی

۲



«جوانی» پس از مرگ شاعرش بیژن الهی به چاپ رسید. «جوانی» را الهی در دوران نوجوانی و جوانی و طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۱ سروده است. این مجموعه شامل ده دفتر شعر است. خود وی این مجموعه را «شعرهای جوانم» نامیده بود. در این اشعار هم اشارات سیاسی وجود دارد هم بازی‌های فرمی و زبانی که از مشخصات اشعار بیژن الهی است...

حلاج‌الاسرار

حلاج‌الاسرار
حاجی‌رازی

۳



الهی می‌نویسد: حلاج‌الاسرار نامی است که از دو حیث بر این کتاب می‌افتد. اول اینکه خود لقب جناب شیخ حسین بن منصور بیضاوی است. دوم اینکه خود موافق سنتی است از سنن نامگذاری ما. محبوب‌الاولیا مثلاً که نام دفتری از سعدالدین حمویه است، یعنی متنی که دلپذیر اولیاست و مونس‌العشاق که نام رساله‌ای از سهروردی است، یعنی کتابی که مونس و همراه عاشقان باشد. به همین روال «حلاج‌الاسرار» یعنی کتابی که کاونده دل‌ها است یا دفتری که در آن حلاجی رازهاست...

شاعر اعجازها

هنر شاعری بیژن الهی غرق کردن مخاطب در تخیلش بود

مزدک پنجه‌ای شاعر و منتقد

تو خوشه‌های سپید خردسالی منی
که دوباره می‌چینم
توانگشتان نخستین منی...
بیژن الهی شاعر، مترجم و نقاش
ایرانی را «شاعر اعجازها» می‌نامند.
اگر قرار باشد زندگی فرهنگی، هنری
و ادبی او را در چند سطر به‌طور
خلاصه نوشت، باید گفت: او در
تیرماه ۱۳۲۴ در چهارراه حسن‌آباد
تهران به دنیا آمد. نوجوانی‌اش در
کلاس‌های نقاشی جواد حمیدی
گذشت. با دعوت فریدون رهنما
نخستین شعرش را در شماره آبان‌ماه
۱۳۴۳ مجله «طرفه» به چاپ رساند.
پس از آن با اسماعیل نوری‌علا در
انتشار مجله «جزوه شعر» همکاری
کرد. برخی از ترجمه‌های او در مجله

«اندیشه و هنر» منتشر شده‌اند. او از
شاعران شعر «موج نو» و «شعر دیگر»
بود. آثار او از سال ۱۳۹۳ در قالب
کتاب منتشر شده‌اند. او دوبار ازدواج
کرد، یک بار با غزاله علیزاده نویسنده
مشهور و دیگری با بانو ژاله کاظمی که
دوبلور، گوینده و مجری تلویزیون بود.
الهی در عصر سه‌شنبه ۱۰ آذر ۱۳۸۹
در ۶۵سالگی در تهران بر اثر عارضه
قلبی درگذشت. در روستای «بیجده
نو» از توابع شهرستان «مرزن‌آباد»
استان مازندران به خاک سپرده شد.
بنا بر وصیتش بر سنگ گور او هیچ
نامی حک نشده است.

زندگی خصوصی و هنری هر
هنرمندی، نمایانگر بخشی از
شخصیت و جایگاه او است. بسیاری
از مخاطبان بیژن الهی او را از طریق
کتاب‌ها و آثارش تالیف و ترجمه‌اش
استشمام می‌کنند. به روایت «حضور»
و «غیاب» او در عرصه ادبیات و البته

وصیتش، نیز اقوالی که دوستان
نزدیکش پیرامون شخصیت و هویت
هنری‌اش بیان کرده‌اند، جملگی
نشان می‌دهد مخاطبان، با شاعری
به‌شدت درونگرا مواجه هستند.
شاعری که خودارجاع است و به
تعبیری جهان هنری‌اش را فقط
می‌توان از خود آثارش کشف کرد.
اینکه جهان او چگونه شکل می‌گیرد:
همه آسمان روز/ با فقری زیبا
همچون کف یک دست/ مرا تاج‌گذاری
کرده‌ست؛ / چرا که بر دردی شاهي
کردم/ که از آن/ جز پاره‌ای خرد/
نمی‌شناختم. / دردی آمیخته با پروازی
بی‌بال/ که می‌خواست/ به القاب
ناملفوظ چهارصد ملکه روستایی/ که
مرصع به خون بودند/ مهتاب را به ماه
بیاموزد...

وقتی به قامت شعر ایران در دهه
چهل نگریم می‌شود، از جمله
نام‌هایی که در آن سال‌ها هویت‌مند
و شاخصه‌مند بوده‌اند، بیژن الهی
است. در واقع جریان «شعر دیگر» که
یکی از شاخه‌های موج نوی ادبیات
ایران بود، در دهه چهل شکل گرفت.
این جریان شعری به شدت از شعر
متعهد دوران خود گریزان بود، این
وضعیت در دوره‌ای رخ می‌دهد که
شعر بسیاری از شاعران، متأثر از
فضای سیاه و تاریک کودتای ۲۸
مرداد ۱۳۳۲ بود و گویی شاعر در
جایگاه روشنفکر و بلندگوی تبلیغات
حزب توده بود. اما گروهی دیگر از
شاعران چون شاملو، اخوان، سیاوش
کسرابی و... برخلاف جریان رودخانه
شنا می‌کردند و آنچنان نگاه‌شان
معطوف به مباحث و مسائل روز نبود
و سعی داشتند تا شعرشان متفاوت
از نگاه جاری و مرسوم باشد. در واقع
شاعران شعر دیگر خاصه بیژن الهی
تاکید بیشتری بر فردیت شاعرانه،
ساختمان شعر و جنبه زیبایی‌شناسانه
شعر داشتند. در این میان جریان
«شعر دیگر» با استفاده از انواع صور
خیال و گسترش آن، تاکید بر اهمیت
زیبایی در شعر و ارتباط با متون ادب
کلاسیک، توانست تمایزهایی را با
اشعار روزگار خود ایجاد کند.
بیژن الهی در کنار بهرام اردبیلی،

